**نهضت امام خمينى زمينه ‏ساز ظهور دولت‏ حضرت مهدى (عج)**

عرفان محمود
مترجم: حجه الاسلام رحمت الله خالقى
)به نقل از مجله الحياه الطيبه، سال اول، ش صفر، رمضان 1418(
آنچه نزد همه فرقه‏هاى اسلامى قطعى و مسلم است اينكه احاديث‏شريف زيادى از سيد رسولان حضرت محمد (ص) روايت‏شده كه تصريح مى‏كند مهدى موعود از اهل بيت پيامبر (ص) به طور حتم و قطع در آخر زمان ظهور خواهد كرد تا زمين را پر از عدل و داد كند بعد از آنكه با جور و ستم پر شده باشد. (1) حتى افراد زيادى از دانشمندان اهل سنت از مذاهب گوناگون آن، به متواتر بودن اين احاديث تصريح كرده‏اند و بعضى از آنها در اثبات تواتر اين اخبار بررسيهاى علمى نموده و كتابهايى نيز تاليف كرده‏اند: (2) از اين رو، دانشمندان مذاهب چهارگانه اهل سنت فتوا داده‏اند كه كسى كه ظهور حضرت مهدى موعود را انكار كند بايد كشته شود، يا اينكه به شدت تاديب شود تا از راى خود برگردد... (3(
از نظر شيعيان اهل بيت، متواتر بودن اين اخبار امرى قطعى و اعتقاد به حتمى بودن ظهور مهدى موعود از ضروريات مذهب است كه نمى‏توان آنها را انكار كرد و جزئى از اصول دين است كه اعتقاد به آنها از روى دليل و يقين واجب است زيرا بنابر عقيده مذهب اهل بيت، امامت از اصول دين است و اعتقاد به مهدى موعود به جهت اينكه از جانشينان و اوصياى رسول خدا است، از ضروريات اعتقاد به امامت مى‏باشد كه دلايل زيادى از آيات قرآن و احاديث صحيح نبوى و همچنين براهين عقلى بر آن اقامه كرده‏اند. (4)

**همگانى بودن عقيده به وجود نجاتبخش جهان**

از بارزترين اعتقادات مشترك اديان مختلف آسمانى ظهور مصلح موعود در آخر زمان است كه همه اديان به ظهور او بشارت داده‏اند، گرچه در تعريف و تعيين هويت او اختلاف دارند. همچنين بررسى متون اديان آسمانى درباره مصلح موعود ثابت مى‏كند كه او همان مهدى و همان فردى است كه اهل بيت پيامبر (ص) به آن عقيده دارند (5) حتى اعتقاد به حتمى بودن ظهور موعود نجاتبخش جهان، در مكاتيب مادى نيز وجود دارد; پس عقيده به ظهور چنين موعودى بيش از هر عقيده ديگرى افكار عمومى بشر را به سوى خود جلب كرده است. (6)

**روايات حركت زمينه سازان در مدارك مشترك**

با مراجعه به رواياتى كه درباره مهدى موعود نقل شده است، در مى‏يابيم كه يكى از نقاط روشن اشتراك بين اخبارى كه اهل سنت و اهل بيت نقل كرده‏اند، وجود يك حركت انقلابى زمينه ساز براى ظهور مهدى موعود مى‏باشد، حركتى كه از ايران به راه خواهد افتاد. چنين اتفاق نظرى، بى آنكه مخالفى داشته باشد، خود دليل روشنى است‏بر صحت اخبار و دست كم صحت مضمون مشترك بين آنها.
در اينجا نمونه‏هايى از اين احاديث‏شريفه را از مداركى كه در نزد شيعه و سنى معتبرند، نقل مى‏كنيم:
1- ابن ماجه، ترمذى و بيهقى در كتاب سنن خود، طبرانى در معجم وسيط، قرطبى در تذكره خود، ابن كثير در فتن خود، هيثمى در مجمع الزوائد، سيوطى در حاوى، ابن‏حجر در قول المختصر و در الصواعق المحرقه، متقى هندى در كنزالعمال و در البرهان فى علامات مهدى آخرالزمان. و... از رسول خدا (ص) روايت كرده‏اند كه فرمود: "مردمى از مشرق خروج مى‏كنند و زمينه حكومت مهدى را فراهم مى‏آورند." با توجه به لحن اخبار و متون قديم چنين اثبات مى‏شود كه مشرق به ايران امروزى گفته مى‏شود. همچنين در روايات ديگر تصريح شده است كه چنين مردمى اهل خراسان، يا قم يا طالقان مى‏باشد. و همه اينها به ايران امروزى اشاره دارد، البته با ذكر نام مهمترين مناطق آباد و شهرهاى متمدن ايران آن روز. (7)
2- ابو داود و نسائى كتاب سنن خود و ابن‏المنادى در ملاحم، قرطبى در تذكره خود، ابن كثير در فتن خود و حميدى در الجمع بين الصحيحين و بسيارى ديگر با سند صحيح از امام على (ع) از رسول خدا (ص) نقل كرده‏اند كه فرمود: "مردى از ماوراء النهر قيام مى‏كند كه به او حارث ابن حراث مى‏گويند و در پيشاپيش او مردى است كه به او منصور گفته مى‏شود و زمينه را براى آل محمد فراهم مى‏سازد، همان طور كه قريش زمينه را براى رسول خدا (ص) فراهم نمود و يارى او بر هر مومنى واجب است، (يا فرمود: اجابت و پاسخ مثبت‏به او بر هر مومنى واجب است) . (8) نامهايى كه در روايت فوق، به آن اشاره شده است، رمزى مى‏باشد، همان‏طور كه در بسيارى از اخبار ملاحم نيز چنين است و مراد از آن يا فرد خبير است، يا كسى كه عمل مفيد دارد، يعنى كارش به نتيجه مى‏رسد.
3- خطيب بغدادى و ديلمى از ابن عباس و ابوهريره روايت كرده‏اند كه هنگامى كه پرچمهاى سياه به اهتزاز درآمدند، به قوم فارس احترام كنيد; زيرا دولت‏شما با آنها است (9( در اينجا تعبير" دولتكم" به دولت مهدوى اسلامى اشاره دارد. 4- ابن حماد ، ابن ابى شيبه، ابن ماجه، عقيلى و هيثم ابن كليب در مسند صحابه، ابن المنادى و حاكم در مستدرك خود، دانى در سنن خود، ابن حبان و ابو نعيم و ابن طلحه الكنجى شافعى و مقدسى و ابن‏قيم در المنارالمنيف، ذهبى در ميزان الاعتدلال، ابن كثير در فتن، سيوطى در الحاوى و خصائص و جمع الجوامع والدرالمنثور، ابن حجر در صواعق و متقى هندى در البرهان و كنزالعمال و شوكانى در التوضيح، و... از ابن مسعود روايت كرده‏اند كه به حضور رسول خدا (ص) رسيديم آن حضرت در حالى به نزد ما تشريف‏فرما شدند. كه آثار خوشحالى در چهره‏اش نمايان بود، به طورى كه هر سوالى مى‏كرديم جواب مى‏داد و حتى اگر سوال نمى‏كرديم خود ايشان شروع به صحبت مى‏كردند، تا اينكه گروهى از جوانان بنى‏هاشم كه حسن و حسين (ع) نيز در ميان آنها بودند از آنجا گذشتند، رسول خدا (ص) با ديدن آنها حسن و حسين را به آغوش كشيد و چشمانش پر از اشك شد; گفتيم:اى رسول خدا (ص) چه چيزى باعث ناراحتى شما شد كه ما را نيز ناراحت نمود. فرمود: ما اهل بيتى هستيم كه خداوند براى ما آخرت را بر دنيا برگزيد و بعد از من اهل بيت من با سرگردانى و آوارگى روبه رو خواهند شد، تا آنكه گروهى با پرچمهاى سياه از مشرق قيام مى‏كنند و حق را طلب مى‏كنند، ولى به آنها داده نمى‏شود سپس بار ديگر حق را طلب مى‏كنند و در راه آن نبرد مى‏كنند و پيروز مى‏شوند; پس هر كدام از شما و يا نسل آينده شما آنها را درك كرد بايد به امام اهل بيت من بپيوندد حتى اگر با سينه‏خيز رفتن روى برف باشد; زيرا آنها پرچمهاى هدايت را به دست مردى از اهل بيت مى‏دهند... كه او زمين را با عدل و داد پر مى‏كند، همان گونه كه با جور و ظلم پر شده است (10( . اين روايت، اشاره دارد به اينكه به حركت درآمدن پرچمها، قبل از ظهور حضرت مهدى مى‏باشد و پرچمها با نام او به حركت درمى‏آيند و مردم را به سوى او فرا مى‏خوانند. البته در تعدادى از احاديثى كه حافظان اهل سنت آنها را از حضرت على (ع) و از برخى از امامان ديگر روايت كرده‏اند مضمون اين اخبار نقل شده است همچنين از پيروان و شيعيان آنها نيز مضمون اين اخبار نقل شده كه در ذيل نمونه‏هايى از آن را ذكر مى‏كنيم.
5- نعمانى در كتاب الغيبه به سند خود از امام باقر (ع) روايت كرده‏است كه فرمود: گويا گروهى را مى‏بينم كه از مشرق قيام كرده‏اند و حق را طلب مى‏كنند كه به آنها داده نمى‏شود و دوباره طلب مى‏كنند باز هم به آنها داده نمى‏شود وقتى وضع را چنين ديدند اسلحه به دست گرفته و نبرد مى‏كنند و دشمنانشان به خواسته‏هاى آنها تن مى‏دهند، ولى آنها قبول نمى‏كنند تا اينكه خودشان به حكومت‏برسند و دولت تشكيل دهند و آن حكومت را به كسى مگر به صاحب شما (يعنى امام زمان (عج‏» واگذار نمى‏كنند و كشته‏هاى آنها شهيدند. بدانيد كه اگر من آن زمان را در ك مى‏كردم خود را در خدمت و اختيار رهبر آنها قرار مى‏دادم. (11)
6- از امام صادق (ع) روايت‏شده است كه فرمود: به زودى كوفه از مومنان خالى مى‏شود و همان‏طور كه مار در لانه خود به دور خود مى‏پيچد و نهان مى‏شود و قدرت تحرك ندارد، علم و دانش نيز در گوشه‏اى پنهان و محدود مى‏شود. (يعنى در كوفه علم و دانش منتشر نمى‏شود و اگر هم وجود داشته باشد، درگوشه‏اى بى اثر مخفى مى‏شود) . پس از آن علم در شهر ديگرى كه به آن قم گفته مى‏شود، ظاهر مى‏شود و معدن فضل و علم مى‏گردد، به طورى كه در روى زمين كسى كه مستضعف در دين باشد و يا دين را نفهمد، باقى نمى‏ماند; حتى زنهايى كه در حجله‏ها و پشت پرده‏ها هستند; و اين زمان ظهور قائم ما خواهد بود و خدا قم و اهل آن را جانشينان حضرت حجت قرار مى‏دهد و اگر چنين نباشد زمين اهل خود را فرومى‏برد و در زمين حجتى باقى نمى‏ماند و علم از آنجا به ساير كشورها و شهرها در شرق و غرب سرازير مى‏شود و حجت‏خدا بر مردم كامل مى‏شود، به طورى كه كسى در زمين نمى‏ماند كه دين و علم به او نرسيده باشد، پس از آن حضرت قائم (عج) ظهور مى‏كند و سبب انتقام خدا و عذاب او بر چنين بندگان مى‏شود; زيرا خدا از بندگان انتقام نمى‏كشد مگر بعد از آنكه آنها حجت‏خدا را انكار كنند. (12(
مسلما انتقام از ستمگران نيز گرفته خواهد شد; زيرا حجت‏بر آنها تمام شده آنها حجت‏خدا را انكار كرده‏اند و براى غير ستمگران ظهور حضرت مهدى (عج) رحمت است.
7- از امام كاظم (ع) روايت‏شده است كه فرمود: مردى از اهل قم، مردم را به سوى حق فرا مى‏خواند و همراهان او مانند آهن و پولاد آبديده هستند كه تند بادها آنها را نمى‏لرزاند و از جنگ خسته نمى‏شوند و نمى‏ترسند و به خدا توكل مى‏كنند و عاقبت از آن تقواپيشگان است. (13)
8- ابن حماد و ... از حافظان اهل سنت از امام على (ع) روايت كرده‏اند كه فرمود: پرچمهاى سياه ظاهر مى‏شوند (يعنى مردمى با پرچمهاى سياه قيام مى‏كنند) و لشكريان سفيانى شكست‏خورده و فرار مى‏كنند در آن هنگام مردم جهان مهدى را آرزو و طلب مى‏كنند. (14(
9- سيد ابن طاوس در اقبال از ملاحم بطائنى در حديثى از امام صادق (ع) روايت كرده كه فرمود: مادامى كه براى فرزندان فلانى حكومت و سلطنت است، امت محمد (ص) هرگز روى آسايش نخواهد ديد، مگر اينكه حكومت آنها منقرض گردد. وقتى حكومت آنها منقرض شد، خداوند براى فرج و آسايش امت محمد (ص) فرج مردى از ما را مى‏رساند كه مردم را به تقوا راهنمايى مى‏كند و به هدايت رفتار مى‏كند و در حكومت‏خود رشوه نمى‏گيرد; به خدا قسم من او را به نام و نام پدرش مى‏شناسم; پس از آن مردى كه نيرومند و قوى است و كمر باريك و داراى خال در پيشانى و گونه‏ها است، براى برپايى عدالت قيام مى‏كند و او نگهبان هر چيزى است كه پيش او به وديعه گذاشته شده است و زمين را با عدالت پر مى‏كند، همان طور كه ستمگران و گناهكاران آن را با جور و ستم پر كرده بودند. (15)
زمينه سازان ظهور حضرت مهدى (عج) و نهضت امام خمينى (ره) و احاديث مربوط به آن رواياتى كه بر وقوع يك حركت زمينه ساز براى انقلاب بزرگ مهدى دلالت دارند، صفاتى را ذكر مى‏كنند كه اين صفات به روشنى بر نهضت امام خمينى تطبيق مى‏كند:

**1- به راه افتادن اين قيام از ايران**

اين حركت از ايران (مشرق زمين) آغاز مى‏شود. ايران سرزمينى است كه در آن برف مى‏بارد، در حالى كه باريدن برف در جزيره‏العرب متداول نيست. انقلاب اسلامى ايران نيز در ماه بهمن به پيروزى رسيد. بهمن در زبان فارسى به معناى توده انبوه برفى است كه در كوهها جمع مى‏شود و به سوى دره‏ها و دشتها سقوط مى‏كند; همچنين به ذرات ريز برف كه در هوا معلقند و گاهى باعث‏به وجود آمدن كولاك مى‏شود، بهمن مى‏گويند. (16) از آن سبب اين ماه را بهمن ناميده‏اند كه موسم ريزش برف در ايران است; جمله "فاتوها و لوحبوا على الثلج; به آن نهضت‏بپيونديد حتى اگر با سينه خيز رفتن روى برف باشد" در اين روايات دليل روشنى است‏بر اينكه شروع اين حركت از ايران مى‏باشد; افزون بر احاديث‏شريفى كه بر شروع اين حركت از ايران دلالت دارد، پيروزى انقلاب اسلامى در دهه دوم ماه بهمن كه فصل ريزش برف سنگين در ايران است و به كار بردن اين جمله "حبوا على الثلج" به همراه كلمه مشرق در روايات به روشنى به مكان شروع اين حركت اشاره دارد.

**2- نسب رهبران حركت**

همان گونه كه از نص احاديث‏شريفه‏اى كه نمونه‏هايى از آن ذكر شد، و رواياتى كه از كتب اهل سنت نقل شده است، (خصوصا روايتهاى سوم و هفتم) روشن مى‏شود كه قيام كنندگان اين حركت، گروهى از شيعيان اهل بيت هستند و رهبر اين حركت (كه زمينه را براى آل محمد فراهم مى‏كند) مردى از اهل بيت است، (چنانكه در حديث دوازدهم آمده بود) . اين صفت‏به خوبى با نهضت امام خمينى (ره) كه از جهت راه و روش و نسب به اهل بيت نسبت دارد تطبيق مى‏كند.

**3- مشخصات رهبر حركت**

با توجه به آنچه گفته شد، رهبر اين حركت مردى از قم است كه مردم را به سوى حق فرامى‏خواند، به تقوا راهنمايى مى‏كند، رفتار هدايت‏شده دارد و در حكومت‏خود رشوه نمى‏گيرد و اين مشخصات به روشنى با امام خمينى (ره) قابل تطبيق است.

**4- سيماى زمينه‏سازان حركت**

با توجه به مجموعه احاديث‏شريفى كه در اين باره ذكر شد، بر پا كنندگان اين نهضت در طلب حق و پيشمرگ شدن براى برقرارى و پايدارى آن اصرار بسيار دارند و به جهت توكل كامل به خداى تبارك و تعالى و داشتن تقوا، شايسته مقامى شده‏اند كه آينده وعاقبت‏براى آنان است; بنابراين به پيروزى نهايى مى‏رسند. همان طور كه ديديم يكى از آشكارترين مواردى كه نهضت امام خمينى را از ساير نهضتها جدا مى‏كند، همان زنده كردن روح عرفانى جهاد در جامعه بود كه در مسير انقلاب هزاران بار خود را به نمايش گذاشت، از جمله چهره فداكارانه و شهادت‏طلبانه‏اى كه ياران امام با الهام از حادثه كربلا در حوادث گوناگون انقلاب، چه قبل از پيروزى انقلاب و چه بعد از آن، به ويژه در طى هشت‏سال دفاع مقدس، آن را ترسيم كردند.
بنابراين، مشخصات رهبر و ياران و حاميان اين حركت، بر امام خمينى و ياران او انطباق‏پذير است.
اما آنچه كه درباره ويژگيهاى مرد خراسانى كه با پرچم سياه قيام مى‏كند... وارد شده، به رهبران اين نهضت‏بعد از رهبر بزرگ آن كه مرد قمى است، و به حركتهاى آنها كه در مراحل بعدى اين انقلاب انجام مى‏دهند، مربوط مى‏شود و تكرار جمله طلب حق (يطلبون الحق) در احاديث‏شريفى كه از روند و گسترش اين حركت زمينه ساز خبر مى‏دهند، به آن اشاره دارد و روشن ست‏حركتى كه مى‏خواهد زمينه را براى انقلاب بزرگ جهانى، مثل انقلاب مهدوى فراهم كند، نياز به فرصتى دارد تا با اين هدف بسيار بزرگ متناسب باشد; بنابراين هنگامى كه ما مى‏گوييم نهضت امام خمينى زمينه ساز انقلاب بزرگ مهدوى است، مقصود اين است كه اين نهضت در ادامه و در مراحل گوناگون خود و با تلاش رهبران و حاميان خود، (يعنى كسانى كه شاهد شروع اين نهضت‏به دست امام خمينى (ره) بوده‏اند) و يا نسلهاى آينده و رهبران آنها زمينه ظهور امام مهدى (عج) را فراهم خواهند كرد.

**5- پايان يافتن استضعاف آيين اهل بيت (ع)**

آنچه كه از احاديث‏شريفه استفاده مى‏شود، اين است كه اين حركت همراه با تحرك علمى است كه راه و رسم اهل بيت را به سوى يك حركت جهادى تبليغ مى‏كند و اين امر نه تنها طبيعى است‏بلكه براى انقلاب بزرگ جهانى كه داراى پايه و هدفهاى اعتقادى است، ضرورت دارد. انقلابى كه از راه و روش اهل بيت‏سرچشمه گرفته است; زيرا (طبق حديثى كه ذكر شد) رسول خدا تصريح كرده كه مهدى (عج) از آنها است و ظهور او (قبل از او ظهور زمينه‏سازان ظهور او) به استضعاف اهل بيت و راه و رسم آنها پايان مى‏بخشد. همان طور كه در احاديث‏به آن اشاره شده است، شروع اين حركت پس از انتقال مركز نشر علوم اهل بيت از كوفه به شهر قم در ايران خواهد بود. پس شهر قم مركز نشر و پخش اين علوم به همه كره خاكى خواهد شد و اين همان چيزى است كه با آغاز نهضت امام خمينى (ره) و همزمان با آن تحقق يافته است.
حوزه علميه قم كه به وسيله حاج شيخ عبدالكريم حائرى (استاد امام خمينى (ره‏» و با كمك گروهى از علما، از جمله امام خمينى (ره) (كه مرحوم حاج شيخ حائرى را براى اقامت در قم و تاسيس حوزه علميه در آن شهر تشويق كردند) تاسيس شد. بعد از او، يعنى در زمان مرحوم آقاى بروجردى كه امام خمينى مهمترين نقش را در راضى نمودن ايشان به مهاجرت از شهر بروجرد به شهر قم و پذيرش سرپرستى حوزه علميه آن به عهده داشت (17) ، فعاليت‏حوزه قم گسترش يافت. با پيروزى انقلاب اسلامى، حوزه قم بزرگترين حوزه علوم اهل بيت (ع) در جهان گرديد، به ويژه پس از آنكه نقش حوزه نجف به جهت محدوديتهاى ايجاد شده توسط رژيم عراق محدود و كمتر شد; زيرا بسيارى از علما نجف را ترك كردند و از فعاليت و تحرك باقى ماندگان نيز كاسته شد و بدينسان آنچه كه اخبار شريفه (خصوصا حديث نهم خبر داده بودند، در عمل به حقيقت پيوست. و چنانكه امام صادق (ع) تصريح مى‏فرمايد: اين تحول - انتقال مركز علوم آل محمد به قم نزديك قيام قائم ما، يعنى امام‏مهدى (عج) به وجود مى‏آيد، به طورى كه در آن زمان قم معدن علم و فضل مى‏شود در روى زمين حتى يك نفر مستضعف در دين باقى نمى‏ماند - زيرا به سبب انتشار علوم آل محمد به همه دنيا مردم دين را مى‏شناسند - و به اين ترتيب آيين اسلام از رهگذر حوزه علميه قم به همه جهانيان خواهد رسيد; به گونه‏اى كه تاريخ حوزه‏هاى علوم اهل بيت تاكنون شاهد حضور اين همه دانش پژوه و دانشجو، مانند حضور امروزه طلاب در حوزه قم نبوده كه از اطراف دنياى اسلام براى فراگيرى علوم آل محمد در اين حوزه حضور يافته‏اند. همچنين وجود مدارس دينى براى بانوان در حوزه علميه قم كه تاريخ هرگز شاهد آن نبوده است و اين در تاريخ فرهنگ دينى بانوان، آن هم در سطح عالى پديده‏اى نوظهور و منحصر به فرد است كه در حديث مزبور نيز به آن اشاره شده است: "حتى المخدرات فى‏الحجال; حتى زنها در پشت پرده‏ها و حجله‏ها از علوم آل محمد بهره‏مند مى‏شوند".

**زمينه‏سازان و نبرد با سفيانى**

در اين قسمت‏به سه نكته، در ارتباط اين بحث اشاره مى‏كنيم:
اولا، اين حركت در چهار چوب عمومى خود پيش از نهضت امام خمينى شروع شد و در اثر گذاريها و اثرپذيريهاى خود و در بعضى جرياناتى كه در احاديث‏شريفه به آن اشاره شده است، بعد از رحلت امام خمينى نيز ادامه خواهد داشت. از اين رو، حوادثى كه در روايات ذكر شده، ولى هنوز واقع نشده‏اند، نمى‏توانند اساسا مانع تطبيق اين حركت‏بر نهضت امام خمينى باشد; زيرا اين نهضت نسبت‏به نهضتهاى آغازين كه پيش از نهضت امام بوده‏اند، از گسترش زيادى برخوردار است و زمينه پيش آمدن مراحل بعدى اين حركت را مشكل مى‏سازد; مانند خروج پرچمهاى سياه و پايان يافتن فتنه سفيانى و...و جرياناتى كه بعد از امام خمينى به ظهور بعضى از رهبران اين حركت مربوط مى‏شود.
بنابراين تطبيق احاديث‏شريفه بر نهضت امام خمينى از باب اطلاق اسم بر آشكارترين نشانه‏هاى شئ است; مانند اطلاق اسم نماز كه به معناى دعا است‏بر عبادت معروف، از اين جهت كه دعا از بارزترين اجزاى نماز است.
ثانيا، اينكه گفته شود اگر چه اين احاديث‏بر نهضت امام خمينى تطبيق مى‏كند، ولى احتمال دارد كه بر گروه ديگرى نيز منطبق شود و در واقع آنها زمينه‏سازان برقرارى دولت‏حضرت مهدى(عج) باشند، آنچه مسلم است اينكه نمى‏توان از يك مصداق مشاهده شده و ملموس اين احاديث صرف نظر كرد و به مصداقى كه احتمال بروز آن در آينده مى‏رود، توجه كرد.
اين احاديث‏شريفه، بسيارى از حوادث جزئى را به عنوان نشانه‏هاى ظهور مهدى موعود (عج) ذكر كرده‏اند، بنابراين چگونه ممكن است كه از ذكر حادثه بزرگى، مانند نهضت امام خمينى (ره) كه تاريخ نظير آن را نديده است، غفلت كنند؟
آنچه بررسى دقيق اين احاديث ما را به آن رهبرى مى‏كند، اين است كه تمام آنچه در احاديث آمده است‏با همه ابعاد و ريشه‏هايش بر نهضت امام خمينى قابل انطباق است.
براى اثبات اين حقيقت، تعدادى بررسى روايى صورت گرفته و منتشر شده است; مانند بررسى كه شيخ مهدى فتلاوى با عنوان دوله الموطئين للمهدى )عج) در كتاب الاخبارلاهل السنه به چاپ رسيده است; همچنين بررسى شيخ على كورانى كه با عنوان " الممهدون" به چاپ رسيده است و نيز بررسى شيخ محمدى رى شهرى كه به زبان و با عنوان "زمينه سازان انقلاب جهانى مهدى )عج) " چاپ شده است، يا تحقيقى كه على اكبر ذاكرى با عنوان "انقلاب اسلامى ايران در آيات و روايات" انجام داده و به چاپ رسيده است.

**زمينه سازى براى انقلاب مهدى در سخنان امام خمينى )ره(**

ديدگاه رهبر بزرگ اين نهضت، حضرت امام خمينى در بيان نقش نهضت‏خود، به لحاظ شخصيت والاى آن و شناختى كه معظم‏له به خط سير انقلابى آن را رهبرى كرده و اهداف استراتژيك آن را بيان نموده، از اهميت ويژه‏اى برخوردار است واقعيت نيز تاثير شديد افكار او را در تعيين مسير حركت، حتى بعد از رحلت او (رض) ثابت كرده است و هر كس كه روش امام خمينى را بررسى كند به خوبى مى‏داند كه ايشان در به كارگيرى كلمات و واژه‏ها و اوصاف در جايگاه واقعى خود دقت مى‏كردند و به طور كامل از مبالغه گويى و بيان نظراتى كه به حقيقت واقعى و قطعى تكيه ندارد دورى مى‏كردند.

**جمهورى اسلامى و توجه امام مهدى (عج)**

امام خمينى در بسيارى از سخنان خود، حكومت اسلامى را كه خود او آن را به وجود آورده است، چنين توصيف مى‏كند كه اين حكومت، حكومت امام مهدى (عج) است و او حافظ اين دولت است. در اينجا به يك سخن از امام كه به روشنى به نقش زمينه‏سازى اين نهضت تصريح دارد اشاره مى‏كنيم:
" اين نهضت مقدس براى انقلاب بزرگ مهدى موعود است". اين سخن علاوه بر داشتن تصريح به اين موضوع، از آخرين سخنان امام قبل از رحلت ايشان است; از اين جهت اين سخن از پختگى كامل براى بيان نقش نهضت امام و مسير حركت آينده برخوردار است.

**انقلاب اسلامى ايران طلايه‏دار انقلاب حضرت مهدى (عج(**

امام در بخشهايى از سخنان خود كه به مناسبت ولادت مهدى منتظر (عج) در تاريخ چهارده شعبان 1408 (دو ماه و نيم پيش از رحلت‏خود) ايراد كرده‏اند، مى‏فرمايند:
سلام و درود به پيشگاه مقدس مولود نيمه شعبان و آخرين ذخيره امامت (بقيه الله ارواحنا فداه( و يگانه دادگستر ابدى و بزرگ پرچمدار رهايى انسان از قيود ظلم و ستم استكبار، سلام بر او، سلام بر منتظران واقعى او، سلام بر غيبت و ظهور او و سلام بر آنان كه ظهورش را با حقيقت درك مى‏كنند و از جام هدايت و معرفت او لبريز مى‏شوند.
و سلام بر ملت‏بزرگ ايران كه با فداكارى و ايثار و شهادت راه ظهورش را هموار مى‏كنند...
مسئولان ما بايد بدانند كه انقلاب ما محدود به ايران نيست، انقلاب مردم ايران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمدارى حضرت حجت (ارواحنا فداه) است كه خداوند بر همه مسلمانان و جهانيان منت نهاد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار داد... بايد دولت جمهورى اسلامى تمامى سعى و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنمايد، ولى اين به آن معنا نيست كه آنها را از اهداف عظيم انقلاب كه ايجاد حكومت جهانى اسلام است منصرف كند. (18(
با توجه به سخنان امام خمينى و تصريح ايشان بر نقش زمينه ساز اين نهضت‏براى انقلاب بزرگ مهدى، به چند نكته اشاره مى‏شود:
1- نهضت امام خمينى آغازگر انقلاب بزرگ اسلامى است‏كه دلالت دارد بر استمرار اثرگذاريها و انتشار افكار آن و رشد و گسترش آن در جهان اسلام تا زمانى كه امام مهدى (عج) ظهور نمايد. البته واقعيت‏سياسى معاصر جهان نيز اين حقيقت را تاييد مى‏كند; زيرا جهان شاهد انتشار و رشد افكار امام خمينى در كشورهاى مختلف اسلامى است كه به بيدارى عمومى جهان اسلام كه خواهان اجراى احكام اسلام هستند انجاميده است.
2- انقلاب امام خمينى جدا از انقلاب بزرگ مهدوى نيست، بلكه بخشى از آن است و همان هدفهاى استراتژيك آن را در باره برپايى حكومت جهانى اسلام دنبال مى‏كند; پس پرچم يكى است كه خود امام مهدى (عج) آن را بر دوش مى‏كشد.
آنچه كه اين نهضت را از دايره افراد و مصاديق پرچمهايى كه قبل از ظهور مهدى (عج) برداشته مى‏شوند، (قيامهايى كه قبل از ظهور او (عج) به وجود مى‏آيند) خارج مى‏كند و بعضى از احاديث‏شريفه با صراحت دلالت دارند كه پرچمداران اين پرچمها طاغوتند (و چنين قيام كنندگانى با طاغوت بيعت كرده‏اند و به فرمان او جنگ مى‏كنند)، مقصود آن حركتهاى انقلابى است كه مستقل و جدا از حركت مهدوى باشد و در راهى كه خود امام مهدى (عج) آن را ترسيم كرده است، حركت نكند، يعنى بر پايه تمسك به ولايت امام زمان (عج) استوار نباشد و براى زمينه سازى ظهور آن بزرگوار تلاش و فعاليت نكند.

**تصديق اين احاديث‏شريفه توسط خط سير انقلاب امام خمينى (ره(**

3- قيام امام خمينى به طور عملى زمينه‏ساز انقلاب بزرگ مهدوى است اين مساله را با توجه به متناسب بودن دستاوردهاى اين انقلاب، با هدفهاى انقلاب امام مهدى (عج) استدلال مى‏كنيم و اين استدلال نقش مهمى در اثبات صحت اين احاديث دارد با توجه به اينكه احاديث از سرچشمه‏هاى وحى صادر شده است، حتى اگر سندهاى آنها مورد خدشه باشد; آنچه كه نهضت امام خمينى به وجود آورده، با آنچه اين اخبار از آن خبر داده تطبيق مى‏كند. هر چند اين اخبار بيش از هزار سال پيش از وقوع اين نهضت صادر شده است، يعنى در زمانى كه اوضاع آن روز طورى نبوده كه حتى اشاره‏اى بر آنچه كه اين احاديث از آن خبر مى‏دهند، (مثل نقش ايران در زمينه‏سازى براى ظهور امام مهدى موعود (عج‏» وجود داشته باشد و اين ثابت مى‏كند كه آنچه از اخبار وارد شده، اخبارى غيبى است كه صدور آن جز از سرچشمه وحى، يا از كسى كه از اخبار غيبى آگاه است، ممكن نيست.

**هدفهاى انقلاب مهدى (عج) و دستاوردهاى انقلاب امام خمينى**

در ابتدا بايد هدفهاى انقلاب مهدوى و آنچه را كه خدا با دست ولى خود (عج) انجام خواهد داد، بشناسيم; سپس چيزهايى را كه نهضت امام خمينى به‏وجود آورده و اثرگذاريهايى كه در صحنه عمل داشته است و ارتباط آنها با اهداف انقلاب مهدوى و تناسبى كه بين آنها وجود دارد را بشناسيم تا ميزان صحت اين سخن كه نهضت امام خمينى زمينه ساز ظهور حضرت مهدى (عج( است، شناخته شود.
آنچه كه خداوند تبارك و تعالى به دست مهدى موعود (عج( به وجود خواهد آورد، از اخبار غيبى است كه در آينده محقق خواهد شد; بنابراين، راه شناخت آنها در رجوع به سرچشمه‏هاى وحى و تدبر در آيات كريمه و احاديث صحيح نبوى به ويژه رواياتى كه مورد اتفاق همه فرق اسلامى است و به دست آوردن اهداف عمومى انقلاب بزرگ مهدوى مى‏باشد. اما آنچه كه به قسمت دوم قضيه برمى‏گردد، اينكه نهضت امام خمينى يك حركت معاصر است و مى‏توان دستاوردهاى سازنده آن را با تامل و دقت در دگرگونيها و تغييراتى كه در همه جهان به وجود آورده درك كرد، به طورى كه ارزشهاى اسلامى را زنده كرد و آثارى در جهان اسلام و غير آن به جا گذاشت و آثارى نيز از ادامه اثر گذاريهاى محسوس آن انتظار مى‏رود.

**اهداف انقلاب مهدوى در نصوص و متون دينى**

در قرآن كريم و احاديث‏شريفه‏اى كه مورد اتفاق همه مسلمانان است هدفهاى عمده‏اى براى انقلاب بزرگ مهدوى بيان شده است كه به اختصار ذكر مى‏كنيم.
1- شمارى از آيات قرآن، بر برترى وغلبه اسلام بر همه اديان و آشكار شدن خورشيد اسلام تصريح دارند; مانند آيه‏هاى 32 و 33 از سوره توبه و آيه‏هاى 8 و 9 از سوره صف. احاديث‏شريفى كه از اهل سنت و شيعه نقل شده‏اند و نيز مفسران شيعه و سنى اتفاق نظر دارند به اينكه اين هدف كه تحقق آن حتمى است (چون اراده خدا به آن تعلق گرفته) تنها در زمان مهدى منتظر (عج) برآورده خواهد شد. (19(
2- پايان دادن به برگشت از دين حق و پيروى و دوستى مسلمانان از يهود و نصارا; كه قرآن در آيه‏هاى 51- 54 سوره مائده از آن خبر داده است; همچنين علامه طباطبايى در تفسير ترجمه شده قيم خود"الميزان" با بيان مفصلى استدلال مى‏كند كه اين حوادث در عصر مهدى موعود (عج) جريان مى‏يابد. (20(
3- پايان دادن به ستم و جور و برپا كردن حكومت عدل اسلامى در سراسر جهان; به‏طورى كه آياتى از قرآن و احاديث‏شريفى كه بر صحت آنها اتفاق نظر وجود دارد بر اين امر تصريح كرده‏اند.
4- نابود كردن شرك و پاك نمودن زمين از آن به طور كامل و نشر توحيد محض وعبادت حقه براى خداوند تبارك و تعالى; همان‏طور كه از آيه 55 سوره نور و آيه 56 سوره ذاريات و... استفاده مى‏شود; (21) همچنين برپا كردن جامعه توحيدى شايسته كه تنها خدا را عبادت كنند و به او شرك نورزند ونماز را به پا دارند و زكات را بپردازند و امر به معروف و نهى از منكر كنند.
5- واگذارى حاكميت زمين به بندگان شايسته خدا و كسانى كه در زمين به جهت وابستگى خود به دين توحيدى، ضعيف نگه داشته شده‏اند; شمارى از آيات كريمه قرآن; مانند آيه 55 سوره نور و آيه‏5 سوره قصص و 105سوره انبيا به اين امر اشاره دارد.
آنچه گفته شد، بنا به استناد آيات كريمه و احاديث صحيح نبوى، از اهداف عمومى انقلاب بزرگ مهدوى هستند.

**زنده كردن نقش اسلام در عصر كنونى**

از بارزترين دستاوردهاى نهضت امام خمينى كه همه تحليلگران با ديدگاههاى گوناگون خود بر آن اتفاق نظر دارند، عبارت است از:
زنده كردن نقش اسلام در دنيا، به ويژه در جهان اسلام و تشكيل دولتى بر پايه اسلام كه با تعهد و پايبندى به ارزشهاى اسلامى به نيازهاى عصر كنونى پاسخ داد و به طور عملى ادعاهاى غرب و غرب‏گرايان را باطل و نابود كرد; آنها تلاش براى تشكيل حكومت اسلامى در عصر كنونى را بى فايده مى‏دانستند; زيرا از نظر آنها اسلام در بهترين شرايط خود; يعنى چهارده قرن پيش فقط روش حكومتى خوبى بوده است; اما امروزه توان اداره كردن حكومت را ندارد و نمى‏تواند به نيازهاى اين عصر و تحولات اجتماعى، اقتصادى، سياسى و نظامى آن پاسخگو باشد. پس بهتر اين است كه اسلام از مسائل سياسى، اقتصادى، اجتماعى و نظامى دور بماند و در حد مسائل اعتقادى صرف و كارهاى شخصى افراد محصور بماند! !
اين افكار در اوايل قرن گذشته، حتى در ميان مسلمانان نفوذ كرده بود و اين نظر كه آيا ممكن است اسلام در همه شئون اجرا شود، يا اصولا چنين چيزى فايده‏اى دارد، يا خير؟ تنها در حد يك فرضيه مطرح مى‏شد و چيزى كه هرگز تصور نمى‏شد شروع اين حركت و به پيروزى رسيدن انقلاب اسلامى جهانى بود كه براى غلبه كردن اسلام بر همه اديان ديگر و بر پا كردن حكومت جهانى كه بر همه دنيا حكومت كند، توفيق يابد و افكار موثر خود را نيز در جهان اسلام باقى بگذارد.

**اثبات امكان تشكيل دولت نوين اسلامى**

نهضت امام خمينى در عمل امكان برپايى حكومت عدل اسلامى را كه با عصر حاضر هماهنگ باشد و بتواند به نيازهاى آن پاسخ دهد، ثابت كرد و آن افكار و ادعاهاى احمقانه غرب را درباره اسلام رد كرد و ياس و نااميدى كه در نتيجه آن به وجود آمده بود، برطرف كرد.
بهترين دليل موفقيت انقلاب ايران، همگانى بودن درخواست مردمى و عمومى - و نه فقط در ميان گروهى محدود از دانشمندان دينى يا تيز هوشان امت اسلام - نسبت‏به برپايى حكومت اسلامى در سرزمينهاى اسلامى است و اين واقعيت آشكارى است كه پيروزى نهضت امام خمينى و موفقيت آن در برقرارى حكومت اسلامى در ايران را به وجود آورده است و اين خود زمينه‏ساز انقلاب جهانى مهدى است پيامش برپايى حكومت اسلامى در همه جهان مى‏باشد.

**آينده‏نگرى و ايجاد آگاهى عمومى نسبت‏به اسلام**

انقلاب امام خمينى (ره) با موفقيت عملى خود در ايجاد خواست عمومى براى شناختن اسلام، حتى در ميان غير مسلمانها زمينه را براى اين هدف از اهداف انقلاب جهانى مهدى (عج) فراهم آورد.
اين حركت گسترش پيدا كرد و در ميان افكار بشرى خارج از دايره جهان اسلام نفوذ كرد و با استقبال عمومى غرب براى پذيرش اسلام رو به رو شد. بتدريج اين فكر كه تنها اسلام مى‏تواند مشكلات نفس‏گيرى كه حلقوم بشريت امروز را مى‏فشارد، حل كند رواج پيدا كرد; حتى شمارى از شخصيتهاى دينى مسيحى، تصريح مى‏كنند كه خداوند شخصيتها و ياران نهضت امام خمينى را برانگيخت تا ارزشهاى دينى را زنده كنند و جهان را از فسادى كه در آن دست و پا مى‏زند نجات دهند.
اصولا موفقيت نهضت امام خمينى در تشكيل دولت اسلامى، يك حالت‏بيدارى در ملتهاى غير اسلامى براى شناخت اين تمدن نوين به وجود آورد، تمدن نوينى كه قدرتهاى بزرگ را به مبارزه مى‏طلبيد و تلاش همگانى آنها را براى شكست اين نهضت در طول هشت‏سال جنگ و... با شكست روبه رو كرد و توانست نمونه‏اى از استقلال كامل را به جهان عرضه كند و اين حالت‏بيدارى و آينده‏نگرى به جهت‏شعار دفاع از مظلومان و كوبيدن ستمگران در ذهن ملتهاى مستضعف رسوخ كرده است.

**عرضه كردن اسلام به عنوان تمدن نوين براى جوامع بشرى**

دعوت عملى اسلام، به عنوان تمدن نوينى كه مى‏تواند مشكلات بشرى را حل كند، با دعوتهاى تبليغى همراه شد; از جمله مى‏توان به نامه مشهور امام خمينى كه آن را براى آخرين رهبر اتحاد جماهير شوروى ميخائيل گورباچف فرستاد، اشاره كرد كه در آن نامه او را به تحليل و بررسى اسلام و شناخت راههاى نورانى و صاف و هدفهاى عالى آن دعوت نمود و تصريح كرد كه جمهورى اسلامى در ايفاى نقش خود، مثل پايه استوار و براى پشتيبانى از حركتهاى آزاديبخش اسلامى و غير اسلامى ثابت قدم است. و اين خود زمينه‏سازى براى اهداف انقلاب مهدوى در جهان است، تا چه رسد به جهان اسلام.

**نبرد با وابستگيها و برانگيختن روح همبستگى اسلامى**

يكى ديگر از دستاوردهاى نهضت امام خمينى، تعهد شديد و تاكيد زياد بر روش اسلامى است كه مستقل باشد و شكلهاى گوناگون وابستگى به بيگانگان و غرب و غرب‏گرايى و يهود و نصارا را نفى كند و با هرگونه وابستگى مبارزه كند به مسلمانان خطرات آن را بشناساند. اين نهضت، از اينكه توانسته است دولتى مستقل و آزاد تشكيل دهد و برخواست‏ياران آنها چيره شود، اين احساس را براى مسلمانان به وجود آورد كه از نسبت دادن خود به اسلام احساس غرور و افتخار كنند. و اين توفيق اثر روشنى در زمينه سازى براى انقلاب بزرگ مهدوى دارد كه همه اشكال وابستگيها را به يهود و نصارا قطع مى‏كند و نقش رهبرى مسلمانان را براى نجات بشريت‏به آنها برمى‏گرداند كه: "خير امت اخرجت للناس"... عزت اسلامى را بر پايه استقلال واقعى به آنها برمى‏گرداند.

**برانگيختن روح فداكارى**

از دستاوردهاى ديگر نهضت امام خمينى، زنده كردن روح فداكارى و راههاى جهاد شهادت طلبانه كه از نهضت امام حسين (ع) الهام گرفته است. اين روحيه قدرت اثرگذارى خود را - چه قبل از پيروزى انقلاب، چه بعد از آن - در مبارزه‏هاى بسيار سختى كه دولتهاى استكبار جهانى با اتحاد وسيع خود بر ضد آن انجام داده‏اند، نشان داده و همواره عناصر داخلى و خارجى آنها را با شكست روبه‏رو كرده‏است.
روشن است كه زنده شدن اين روحيه عامل بسيار مهمى در زمينه سازى انقلاب مهدوى دارد كه همانا نابودى ستم و شرك و آزادى مستضعفان و پايان دادن به حاكميت مستكبران و ستمگران مى‏باشد و اين ماموريت دشوارى است كه موفقيت در آن بدون چنين روحيه جهادى استوار ممكن نيست، به ويژه آنكه ميدان مبارزه‏اى كه در آن خواهد جنگيد، بسيار گسترده است.

**گسترش احساس مظلوميت‏حق**

يكى از موفقيتهاى بزرگى كه نهضت امام خمينى داشت، گسترش احساس عمومى نسبت‏به مظلوم بودن راه حق است، راهى كه سيدالشهداء آن را ترسيم كرد، و كاشتن چنين احساسى در وجدان مسلمانان و ترويج فرهنگ عاشورا و اهتمام به برپايى مراسم عزادارى امام حسين (ع) و مجسم كردن پيروزى حقيقى امام حسين (ع) و بيزارى جستن از دشمنان او موفقيت‏بزرگى است. كه از مهمترين سرچشمه‏هاى حركت انقلابى شخصيتهاى نهضت و از پايه‏هاى آن و بارزترين عوامل پيروزى انقلاب بود. همان‏گونه كه آشكار است، اين موفقيت گام مهم ديگرى در زمينه سازى انقلاب بزرگ امام مهدى است; زيرا انقلاب او از خونخواهى براى مظلوميت‏حق كه سيدالشهداء تجسم آن است و مجازات انحراف اموى به عنوان سمبل باطل و ستم در همه ابعاد و اشكال آن در هر زمان و سرزمين و به عنوان روشنترين مصداق تاريخ كه براى برگشت از دين حق مى‏شناسد، شروع مى‏شود.

**عمومى كردن عرفان اصيل توحيدى**

زنده كردن افكار توحيدى و عرفانى محض كه از سنت رسول خدا (ص) و ائمه عترت (ع) الهام گرفته شده است، از دستاوردهاى ديگر نهضت امام خمينى است كه اين افكار (عرفانى) را از چهار چوب فكرى كه به گروهى خاص محدود مى‏شد، خارج نمود و به درون اجتماعات عمومى مردم آورد، تا در زندگى مردم و رفتارهاى عملى آنها اثر داشته باشد. و اين موفقيت در هزاران شكل قهرمانانه در طى هشت‏سال جنگ تحميلى و نيز زمان پيش از آن و بعد از آن جلوه‏گر شد; جنگى كه گرانقدرترين ارزشهاى توحيد محض را و اينكه تنها بايد به خدا توكل كرد و فقط از او بايد ترس داشت، نه غير او و بندگى حقيقى تنها براى خدا است مجسم نمود.
از آنجا كه يكى از اهداف انقلاب مهدى، نابود كردن شرك و بسط و گسترش توحيد خالص و بر پاكردن جامعه توحيدى شايسته و با اخلاص در عبادت خدايى كه واحد است و شريك ندارد مى‏باشد; آشكار است كه اين امر در زمينه‏سازى انقلاب مهدوى ضرورتى حياتى دارد. اين نهضت، ماكتى از جامعه مهدوى را در جبهه‏هاى دفاع ازاين جامعه شايسته و جهادگر در راه خدا براى جهانيان به نمايش گذاشت، جامعه‏اى كه در دفاع از حق از ملامت هيچ ملامتگرى نمى‏هراسد و به امر به معروف و نهى از منكر مى‏پردازد و نماز را اقامه و زكات را مى‏پردازد.

**عرضه كردن اسلام ناب محمدى**

از مهمترين و آشكارترين دستاوردهاى نهضت امام خمينى زنده كردن اسلام ناب محمدى و زدودن غبار تحريف و جمود و تحجر و هر چيزى كه موجب غربت اسلام شده بود مى‏باشد; همان‏طور كه اسلام در ابتداى پيدايش خود، غربت را از اسلام زدود و آن را به صورت ناب و نجاتبخش جهانيان از هر گونه بندگيهاى پوچ و به همان صورت خالصى كه رسول خدا (ص) آورده بود، عرضه كرد.
همچنين خط امامت معصوم كه حافظ اسلام اصيل و نمايانگر راه اهل بيت (ع) است و همان اسلام نابى است كه مهدى موعود ترسيم مى‏كند و پرچم آن را به دوش مى‏كشد و حكومت جهانى اسلام را بر اساس آن برپا مى‏كند، شناساند و مسلما زنده كردن اين راه اصيل، تاثير بسيار زيادى در زمينه‏سازى انقلاب بزرگ مهدوى دارد كه براى برپايى حاكميت عادلانه و عمومى و جهانى اين دين حق و بر اساس روش اهل بيت‏شروع خواهد شد.

**به وجود آوردن حالت انتظار براى ظهور مهدى موعود (عج(**

امام خمينى (رض) به عنوان مرجع دينى اسلامى كه جانشين مهدى منتظر (عج) در زمان غيبت و عدم امكان رجوع علنى به آن حضرت (عج) مى‏باشد، نهضت‏خود را رهبرى كرد و رهبرى چنين نهضت گسترده‏اى زمينه سازى براى انقلاب مهدوى به حساب مى‏آيد; زيرا هويت مصلح بزرگ را بر جهان اسلام و همه كره خاكى معرفى مى‏كند و آثار اين امر را در زيادشدن پرسشها در ميان مسلمانان و غير مسلمانان از هويت مهدى منتظر (عج) و تلاش براى شناختن او و انتظار ظهور او و آغاز انقلاب او بعد از ديدن دستاوردهاى انقلاب نايبش مى‏بينم. همچنين احاديث‏شريفه‏اى كه بعد از خبر دادن از حركت زمينه سازان، به اين امر اشاره مى‏كنند: "فعند ذلك يتمنى الناس المهدى و يطلبونه "در آن هنگام مردم مهدى را آرزو و طلب مى‏كنند و نيز در نمونه يازدهم از احاديث گذشته وارد شده بود.
پى‏نوشتها:
1- رجوع كنيد به مجلد اول و دوم كتاب "معجم احاديث الامام المهدى (عج) "، در اين كتاب احاديث زيادى نقل شده كه در كتابهاى معتبر فرق اسلامى آمده است.
2- مانند كتاب"التوضيح فى تواتر ماجاء فى المنتظر و الرجال المسيح" تاليف شوكانى.
3- متقى هندى مولف كتاب كنزالمعمال در كتاب "البرهان على علامات مهدى آخر الزمان" فتواهاى چهار نفر از علما اسلامى معاصر خود را كه عبارتند از ابن حجر الهيثمى شافعى و احمدابى اسروربن الصبا الحنفى و شيخ محمد خطابى المالكى و الشيخ يحيى بن محمد حنبلى، نقل كرده است كه اين علما به سبب كثرت روايات، در فتواهاى خود تصريح كرده‏اند كه زدن و ادب نمودن و اهانت‏به منكر آن حضرت واجب است‏به مذهب حق برگردد، و گرنه خونش هدر است.
البرهان على علامات مهدى آخر الزمان: ص 187- 183.
4- رجوع شود به كتابهاى الغدير تاليف علامه امينى و احقاق الحق و ملحقات آن تاليف سيد مرعشى نجفى و غيره...
5- رجوع شود به كتاب بشارات عهدين كه به فارسى چاپ شده است، تاليف شيخ محمد الصادقى و مقالات عرفان محمود، در شماره 19، مجله الفكر الاسلامى .
6- رجوع شود به كتاب مهدى منتظر فى الفكر الاسلامى، انتشارات مركز الرساله: 8 و همچنين مقدمه كتاب بحث‏حول المهدى تاليف آيت الله شهيد سيد محمد باقر صدر.
7- رجوع شود به تفصيلات مصادر كتاب معجم احاديث امام مهدى، جلد 1، ص 387.
8- معجم احاديث امام مهدى، جلد 1، ص 394 به بعد.
9- همان منبع، ص 393.
10- همان منبع، ص 381- 386.
11- كتاب الغيب للنعمانى، باب 14، حديث 5، ص‏273.
12- بحارالانوار ج‏60 ص 213، سفينه البحار، ج‏2، ص 455. منتخب الاثر ص 443.
13- سفينه‏البحار، ص 446.
14- معجم احاديث الامام المهدى، ج‏3، ص 77.
15- اقبال الاعمال، ص 599- 600 و اثبات المهداه ج 3، ص 581- 582.
16- فرهنگ عميد، ج 2.
17- در رابطه با آنچه مربوط مى‏شود به اين مطلب مراجعه شود به عنوان مثال به كتاب "پا به پاى آفتاب" كه شامل مصاحبه با تعدادى از شاگردان ياران و نزديكان امام است.
18- صحيفه نور، ج 21، ص 107- 108، چاپ اول.
19- رجوع شود به تفسير فخر رازى، ج 16، ص 40 و تفسير الدرالمنثور، السيوطى، ج 24، ص 176 و تفسير طبرى، ج‏14، ص 215 و تفسير قرطبى، ج‏8، ص‏121 و مجمع‏البيان، الطبرسى، ج‏5، ص 35.
20- تفسير الميزان، ج‏5، ص 366- 400.
21- رجوع شود به تاريخ غيبت كبرا، سيد محمد صدر، ص 254.